

خوانش و معنی یک بیت از رودکی

مسعود قاسمی

امیر نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی (حکومت: ۳۰۱-۳۳۱)، در یکی از مجالس بزم خود، پس از شنیدن خبر غلبه ابو جعفر بن احمد بن محمد بن خلف صفاری، حاکم سیستان، بر ماکان بن کاکي، به رسم آن دوره، جام خود را برمی‌گیرد و بزرگان مجلس را صلا می‌دهد که پیروزی ابو جعفر را با نوشیدن می درود گویند. رودکی هم قصیده‌ای در نود و چهار بیت می‌سراید و برای آن امیر می‌فرستد و ده هزار دینار صله می‌گیرد.

بیست و دو بیت تشبیب این قصیده، که به «مادر می» معروف شده، درباره شراب، سیزده بیت پس از آن وصف مجلس بزم، و ابیات دیگر آن مدح امیر ابو جعفر است. کتاب مجهول المؤلف تاریخ سیستان (تألیف پیش از ۷۲۵) قدیم‌ترین مأخذی است که، در آن، این قصیده، با ذکر مناسبت سرودنش، ذیل عنوان «حدیث نصر بن احمد با امیر ابو جعفر» (ص ۳۱۶-۳۲۶) نقل شده است.

در خوانش و معنای چند بیته از آن اشکال‌هایی وجود دارد از جمله بیت بیست و دوم، آخرین بیت تشبیب، که ملک الشعرا بهار، در تصحیح خود، آن را با ابیات پیش و پس به صورت زیر نقل کرده است:

وآنک بشادی یکی قدح بخورد زوی رنج نبیند از آن فراز و نه احزان

انده ده ساله را بطنجه رماند شادی نو را ز ری بیارد و عَمَّان
با می چونین که سال خورده بود چند جامه بکرده فراز پنجه* خَلْقان
مجلس باید بساخته ملکانه از گل و وز یاسمین و خیری الوان

(تاریخ سیستان، ص ۳۱۸)

بعضی از کلمات بیتِ موصوف در نسخه خطی تاریخ سیستان – همانند بسیاری کلمات دیگر در این متن – بدون نقطه است. بهار، درباره این بیت، در حاشیه نوشته است: «کذا با یای اضافی** و ظ: جامه بکرده فراز پنجه خَلْقان یعنی از سالخوردگی پنجاه جامه کهنه کرده است» (← تاریخ سیستان، ص ۳۱۸، ح ۹). سعید نفیسی نیز همین معنی را برای بیت قایل شده و نوشته است: «با چنین می سالخورده که بیش از پنجاه جامه خَلْقان (فرسوده) کرده، چنانکه هنوز در زبان فارسی برای چیزی یا کسی که فرسوده باشد گویند پنجاه پیراهن پاره کرده است» (نفیسی، ج ۳، ص ۱۰۱ ح). همچنین معین، با نقل این قصیده، در شرح بیت مذکور آورده که خَلْقان، به ضمّ اول، به معنی «کهنه» جمع خَلَق است؛ سپس نظر سعید نفیسی را نقل کرده است (ص ۲۵). در همه چاپ‌های اشعار رودکی (از جمله خطیب‌رهبر، ص ۳۰؛ شعار، ص ۳۴؛ امامی، ص ۱۶۷؛ شعار، انوری، ص ۸۵؛ حاکمی، ص ۵۸؛ دانش‌پژوه، ص ۱۱۸؛ صالح رامسری، ص ۳۸؛ احمدنژاد، ص ۱۳۳) نیز، همان نظر بهار، به عبارات گوناگون، بازگو شده است. در شرح بیت، بهار و، به پیروی از او، دیگران ظاهراً سالخورده را، در مصراع اول آن، صفت می تشخیص داده‌اند. خطیب‌رهبر (ص ۳۰ ح) افزوده است: «چند: بسیار، قید است برای سالخورده».

اما پیشنهاد نگارنده این سطور:

در مصراع اول، سال خورده... چند به معنی «چند سال عمر کرده» صفت شراب است و، در آن، چند مخصّص سال است نه «قید سالخورده» به تشخیص خطیب‌رهبر.

* حرف اول «پنجه» در ضبط نسخه خطی نقطه ندارد.

** اینکه بهار یای بعد از پنجه را اضافی تشخیص داده بر اساس خوانش پنجه (با های ملفوظ) مخفف پنجاه بوده و حال آنکه «ء» در «پنجه» اضافی نیست چون خوانش درست پنجه (با های به تعبیر سنتی غیر ملفوظ یعنی های با تلفظ مصوّت /a/) است که در تلاقی با /e/ ی (مصوّت) نشانه اضافه (تلاقی دو مصوّت) ناگزیر صامت میانجی «ی» گرفته است و آن به معنی «پنجه دست» است نه به معنی «پنجاه».

سال خوردن در بیت زیر از فردوسی نیز آمده است:

بر این سان همی خورد شست و سه سال کس اندر زمانه نبودش همال
(ج ۳، ص ۵۸۴)

بسنجید باگریز خوردن که دلالت دارد بر عمر مرغان شکاری.

در مصراع دوم بیت، جامه نه به معنی «پیراهن» بلکه گونه‌ای است از واژه جام به معنی «ظرف شراب و غیره، نوعی کوزه» و، به این معنی، در متون کهن دیگر نیز آمده است: «بگیرد زهره بُز و به یکی جامه مسین اندر کند و به آفتاب خشک کند». (اخوینی بخاری، ص ۲۸۰)
پَنجِه نیز نه «مخفف پنجاه» بلکه به معنی «انگشت‌ها و کف دست» است چنان‌که در بیت دیگری از رودکی به همین معنی آمده است:

لاله میان کشت بخندد همی ز دور چون پنجه عروس به حنا شده خضیب
(← نفیسی، ج ۳، ص ۹۷۰)
خَلقان هم نه خَلقان (به تشخیص معین) جمع خَلَق به معنی «کهنه» بلکه خَلقان نوعی جمع از خَلَق به معنی «مردم» است، چنان‌که در متون مکرر به کار رفته است:

به پیش همه کس ستوده شوی به انگشت خَلقان نموده شوی
(بدیع بلخی ← مدبری، ص ۵۰۹)
فراز نیز در بیت سوم (موضوع بحث) بکرده فراز به معنی «به پیش آورده، دراز کرده» است نه «بیش» به تشخیص سعید نفیسی.

(دست) فراز کردن به معنی «(دست) دراز کردن، (دست) یازیدن» در نوشته‌های دیگر به کار رفته است: «ابراهیم ایشان را همی گفت بخورید و ایشان دست فراز نکردند». (بلعمی، ص ۲۱۸)

با این توضیحات، ضبط ابیات چنین می‌شود:

وانک به شادی یکی قدح بخورد زوی رنج نبیند از آن فراز* و نه احزان
انده ده ساله را به پنجه رماند شادی نو را ز ری بیارد و عثمان
با می چونین که سال خورده بود چند جامه بکرده فراز پنجه* خَلقان
مجلس باید بساخته ملکانه از گل و وز یاسمین و خیری الوان

* از آن فراز، از آن پس (از آن پس رنج و احزان نبیند) * نه پنجه

معنی بیتِ موصوف نیز چنین است: با چنین شراب چند ساله که مردم ظرف خود را برای طلب آن با دست به پیش آورده‌اند، باید مجلس شاهانه‌ای مزین به گل‌های سرخ و یاسمین و خیری رنگارنگ برپا شود.

منابع

- احمدنژاد، کامل، دیوان رودکی با توضیح و نقد و تحلیل اشعار، کتاب آمه، تهران ۱۳۹۱.
- امامی، نصرالله، استاد شاعران رودکی، جامی، تهران ۱۳۸۳.
- اخوینی بخاری، ابوبکر ربیع بن احمد، هدایة المتعلمین فی الطب، به اهتمام جلال متینی، دانشگاه مشهد، مشهد ۱۳۴۴.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، تاریخ بلعمی، به تصحیح محمدتقی بهار، وزارت فرهنگ، تهران ۱۳۴۱.
- تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعراء بهار، مؤسسه خاور، تهران ۱۳۱۴.
- حاکمی، اسماعیل، برگزیده اشعار رودکی و منوچهری، اساطیر، تهران ۱۳۷۱.
- خطیب‌رهبر، خلیل، رودکی (با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌های دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی)، صفی‌علیشاه، تهران ۱۳۷۷.
- دانش‌پژوه، منوچهر، دیوان رودکی، توس، تهران ۱۳۷۴.
- شعار، جعفر، دیوان شعر رودکی، قطره، تهران ۱۳۸۲.
- و حسن انوری، گزیده اشعار رودکی، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۴.
- صالح‌رامسری، لیما، نمونه اشعار رودکی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۰.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، سخن، تهران ۱۳۹۴.
- مدبری، محمود، شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، پانوس، تهران ۱۳۷۰.
- معین، محمد، برگزیده شعر فارسی، برگزیده نثر فارسی، معین، تهران ۱۳۸۵.
- نفیسی، سعید، احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، جلد سوم، ادب، تهران ۱۳۱۹.

